جلب اعتماد بیمار عامل موفقیت پزشکان است

گفتگو با فرهیخته ارجمند؛ آقای دکتر محمدرضا قوام‌نصیری

دکتر محمدرضاقوام‌نصیری در سال ۱۳۲۴ در شهر مشهد به دنیا آمد و دوره ابتدایی و دبیرستان را در این شهر گذراند. در سال ۱۳۴۲ با قبولی در رشته پزشکی عمومی در دانشگاه علوم پزشکی مشهد دوره تحصیلات دانشگاهی را آغاز کرد. در سال ۱۳۴۹ پس از اتمام دوره پزشکی عمومی به مدت دو سال به انجام نظام وظیفه در سپاه بهداشت تهران، عباس‌آباد، نیشابور و تربت‌حیدریه مشغول بود. پس از اتمام خدمت مقدس سربازی در لباس بهداشت با یاری آقای دکتر علیزاده؛ مدیر گروه رادیولوژی، پس از گذراندن سه ماهه دستیاری رادیولوژی، موفق به دریافت بورسیه تحصیلی از کشور انگلستان شد و به آن‌جا عزیمت کرد. با کسب پذیرش از دانشگاه لندن (بیمارستان رویال‌مارزدن لندن- بیمارستان آموزشی لندن و بزرگترین مرکز تحقیقات و درمان سرطان در اروپا) به عنوان دانشجوی تخصصی رشته مدیکال رادیوتراپی در کالج سلطنتی انگلیس به تحصیل پرداخت. همراه با تحصیل در بیمارستان رویال‌مارزدن در بیمارستان‌های آموزشی مهم دیگر مانند بیمارستان چرینگ‌کراس و میدل‌سکس در جایگاه رجیستر (Registrar) ادامه تحصیل داد. با تلاش و همتی والا توانست به جایگاه مشاور و موقعیت تحقیقاتی (Neutron Therapy) در بیمارستان مهم آموزشی لندن دست یابد لکن به دلیل اتمام دوره بورسیه و اصرار پدر (دکتر علیرضا قوام‌نصیری؛ استاد و معاون دانشگاه فردوسی آن زمان) جهت بازگشت به وطن و خدمت به همنوعان از موقعیت‌های کاری و تحقیقاتی خود در لندن چشم پوشی و در سال ۱۳۵۶ به وطن بازگشت. عضویت و ریاست انجمن رادیوتراپی و انکولوژی کشور، ریاست مرکز تحقیقات سرطان دانشگاه علوم پزشکی مشهد و تأسیس انجمن حمایت از بیماران سرطانی از جمله خدمات ستودنی ایشان است.

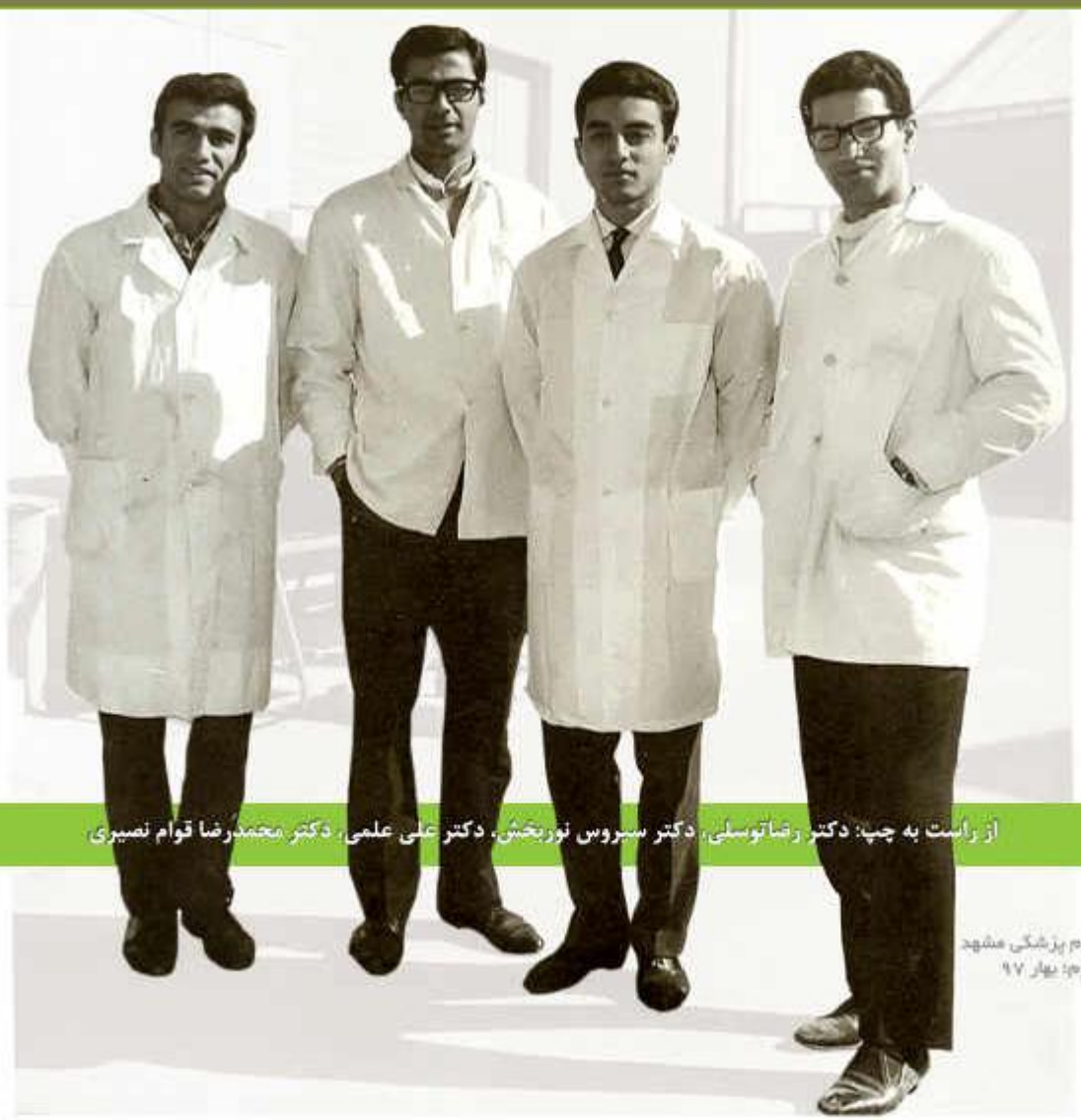

از راست به چپ: دکتر رضاتوسلی، دکتر سیروس نوربخش، دکتر علی علمی، دکتر محمدرضا قوام نصیری

از پیشینه رشته انکولوژی در مشهد و خدمات خود در دوران خدمت برایمان بگویید:

پیش از آغاز به کار من و مرحوم دکتر صالحی، بخش انکولوژی در دانشگاه علوم پزشکی مشهد دایر نبود. هرچند در خاطرات و گفته‌های پدرم به یاد دارم که ایشان می‌فرمودند آقایان دکتر عطری و دکتر قائم‌مقامی در بخش رادیوتراپی به وسیله یک دستگاه مستقر در آن بخش، کچلی را در آن زمان درمان می‌کردند. اگرچه پس از گذشت سی سال و متعاقب درمان مزبور، در زمان فعالیت من و همکارانم در بیمارستان امام‌رضا(ع) متوجه شدیم که این افراد مبتلا به سرطان پوست شده‌اند. در هنگام تحصیل در لندن برای دیدار خانواده زمان کوتاهی را به مشهد آمدم. با استاد دکتر شاملو دیداری داشتم و در زمینه فعالیت خیرخواهانه آقای خیامی جهت ساخت مرکز سرپایی سرطان (به یاد مادر ایشان که در اثر ابتلا به سرطان فوت کرده بود) گفتگو داشتیم. وی برای راه‌اندازی این مرکز نیاز به پزشک متخصص و گروه همراه داشت که به جهت عدم اتمام دوره تخصصی و مشخص نبودن برنامه‌های آتی خود به ایشان قول همکاری یکی از همکاران را در لندن دادم. آقای دکتر اتکینسون به دلیل داشتن روحیه انعطاف‌پذیر و تحقیقاتی پیشنهاد همکاری و عزیمت به مشهد را قبول و با گروه همراه خود راهی ایران شد. پس از وی، دکتر کراس از رویال مارزدن، دکتر ساکسینا از هند و دکتر حق از پاکستان به این گروه پیوستند و این مجموعه با نام مرکز درمانی رضا مشغول به فعالیت شد. سپس، آقای خیامی در مجاورت این مرکز اقدام به ساخت بیمارستان ۸ طبقه ۱۰۰ تخت‌خوابی با هدف ۵۰ تخت برای بیماران کلیوی و دیالیز با ریاست استاد دکتر شاملو و ۵۰ تخت برای بیماران قلبی (با مدیریت مرحوم استاد خدیوی) کرد. با شروع انقلاب و مصادره اموال، بیمارستان در حال‌ساخت به طور کامل برای بخش سرطان در سال ۱۳۵۸ به دانشگاه علوم پزشکی مشهد واگذار شد.

پس از بازگشت به ایران و مصاحبه دانشگاهی و عضویت در هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد همراه با مرحوم دکتر صالحی که یک سال زودتر شروع به فعالیت در بخش رادیولوژی کرده بود با هدف خدمت به مردم، محرومین و به‌خصوص درمان سرطان‌های مری و معده که به علت فقر غذایی رخ می‌دهند، علی‌رغم مشکلات و سختی‌های فراوان با پشتکار و اهتمامی خستگی‌ناپذیر بخش رادیوتراپی دانشگاه علوم پزشکی مشهد را برپا کردیم. پیش ازاین، تشکیلات و امکانات بخش سرطان در بیمارستان حضرت زینب (س) مشهد استقرار داشت که مرحوم استاد ثامنی، دکتر آذرپژوه و دکتر هژبرالسادات فعالیت را در آن‌جا شروع کرده بودند. در سال ۱۳۶۰ آقای دکتر کرم‌لو، ریاست سازمان مبارزه با سرطان کشور، واگذاری مسئولیت بخش سرطان مشهد را برای من ابلاغ کرد که تا زمان بازنشستگی (تا پایان سال ۱۳۸۹) مشغول به فعالیت بودم. با حسی درونی گمان می‌کردم که با فعالیت دولتی وضعیت سرطان بهبود نخواهد یافت لذا اقدام به تشکیل انجمن حمایت از بیماران سرطانی کردم و در سال ۱۳۶۰ برای اولین بار در کشور این انجمن در مشهد تشکیل شد. دغدغه و باور من درمان سرطان و کمک به بیماران سرطانی بود چه در دانشگاه و چه در ساختمان نیمه‌کاره آقای خیامی که به دانشگاه واگذار شده بود. هیچ‌گاه تشویش خاطر ارتقای مدارج دانشگاه را نداشتم و در سال ۱۳۸۰ به اصرار دوستان درجه دانشیاری را کسب کردم. در سال ۱۳۹۲ به عنوان رئیس انجمن رادیوتراپی و انکولوژی ایران انتخاب شدم. کمیته جامع سرطان کشور و شیمی‌درمانی در همین سال با پیشنهاد اینجانب و حسن‌ظن آقای دکتر هاشمی؛ وزیر بهداشت و درمان، و همراه با حمایت‌های شایسته ایشان تشکیل و شروع به فعالیت نمود.

به عنوان حق‌شناسی، اقدامات نیک‌خواهانه و بدون‌توقع آقای خیامی که تا سرحد توان در راه درمان سرطان سرمایه‌گذاری نمودند و همکاری و همراهی بدون‌چشمداشت مالی مرحوم دکتر صالحی در این مسیر ستودنی است.

از دوران بازنشستگی برایمان تعریف کنید.

از سال ۱۳۹۲ تا امروز به عنوان رئیس انجمن رادیوتراپی و انکولوژی کشور در خدمت همکاران ارجمند و بیماران نیازمند می‌باشم. همچنین، دو روز در هفته در مرکز تحقیقات سرطان دانشگاه مشهد (بیمارستان امید) مشغول به خدمت هستم. در سال‌های ابتدایی خدمت به دلیل علاقه مادرم مطبی را دایر کردم که به دلیل توانمندی مالی‌کم بیماران سرطانی و باورهای شکل گرفته در دوران دانشجویی در لندن مطب را گاهی تعطیل می‌کردم. زندگی علمی و عملی من در مسیر سرطان نشأت گرفته از سال‌های تحصیل در انگلیس است. در دوره تخصصی رادیوتراپی‌انکولوژی به دلیل عدم وجود مراکز خصوصی سرطان در کشور انگلیس، این باور در ذهن من شکل گرفت که هرگز برای درمان سرطان مرکز خصوصی تأسیس نکنم. در حقیقت، سرطان رشته‌ای نیست که پزشک بتواند از آن کسب درآمد کند چه برسد به درآمدهای گزاف!

از خانواده و فرزندان خود بگویید.

در چهارم آبان ماه سال ۱۳۴۸ ازدواج کردم. با کمک خدا و یاری همسرم که همیشه همراه و پشتیبان من بوده است، فراز و فرودهای زندگی را پشت سر گذاشتم و موفقیت‌های بسیاری را به دست آوردم. سه فرزند حاصل ازدواج و همیاری این پیمان است. فرزند اول ما؛ مهدی فارغ‌التحصیل رشته زبان انگلیسی در آموزشگاه خصوص زبان انگلیسی خود و همچنین دبیرستان مشغول به فعالیت است. علی؛ مدرک کارشناسی رشته عمران را از دانشگاه فردوسی مشهد و فوق‌لیسانس و دکترا را از دانشگاه سیدنی استرالیا دریافت و در آن‌جا نیز ساکن است. نرگس؛ فارغ‌التحصیل کارشناسی رشته معماری از دانشگاه فردوسی و فوق‌لیسانس معماری از دانشگاه شهید بهشتی تهران است که در حال حاضر به عنوان عضو هیأت علمی در دانشگاه خیام مشهد به تدریس مشغول است.

جایگاه پزشک را در جامعه چگونه می‌بینید؟

این روزها، متأسفانه جایگاه پزشک در جامعه ایران صدمه دیده است؛ عدم توجه به منزلت پزشکی در دیدگاه اعضای جامعه پزشکی و مشغولیت به فعالیت‌هایی که قداست این رشته را بحث‌برانگیز می‌کند، یکی از این عوامل است.

به‌علاوه، در حال حاضر هویت و مسائل معنوی موجود در کشور به دلیل فقر آموزش و فهم عوام در طبقات مختلف اجتماعی در رشته‌های مختلف آموزشی قابل‌مقایسه با گذشته نیست که جامعه پزشکی نیز نتوانسته خود را از این چرخه به سلامت بیرون آورد. در دوران دانشجویی من، مسائل مالی مطرح نبود و افزون‌طلبی‌های دنیوی سایه بر جامعه نیفکنده بود و روح و وجود مردم سرشار از خدمت و ایثار معنوی بود. مثال بارز این صفات مرحوم دکتر شیخ است که پس از اتمام ویزیت، هر بیمار به تناسب دارایی خود در ظرف مخصوص سکه یا اسکناس می‌انداخت. پدرم در تابستان‌ها کتاب‌های عبید زاکانی و عربی را به من آموزش می‌داد و من برای کسب علم به مطب ایشان می‌رفتم. به یاد دارم که پس از معاینه بیمار هیچ‌گاه مبلغ مشخصی از آن‌ها دریافت نمی‌کرد و پس از ویزیت بیمار، خود را به نوشتن نسخه سرگرم می‌کرد و بیمار به فراخور توان مالی مبلغی را در کشوی میز می‌گذاشت. در پایان روز و پس از شستن دست‌ها بدون شمارش و آگاهی از میزان دریافتی، مبلغی را از کشوی میز برای خود بر می‌داشت و سپس منشی را فرا می‌خواند و مابقی را به ایشان می‌دادند. اساتید فرهیخته و شایسته‌ای همچون دکتر معاضد (چشم پزشک)، دکتر علی‌سالاری (متخصص زنان)، دکتر علی‌شهرستانی (متخصص داخلی)، دکتر اسدی (متخصص ریه)، دکتر پرتوی (متخصص زنان) و دکتر مستقیمی (پدر آناتومی و تشریح) از جمله پزشکانی بودند که به حق بی‌نیاز و بی‌توجه به مال دنیا بودند. بی‌اعتنایی به مال دنیا، اعتماد به نفس را در انسان زنده نگه می‌دارد و خطمشی را در زندگی مشخص می‌کند که تا زمانی که فرد به آن درجه در زندگی نرسد سمنای آن را درنخواهد یافت. بی‌نیازی به مال دنیا، بی‌اعتنایی به جاه و مقام را به‌همراه می‌آورد که هر دوی این بی‌نیازی‌ها آدم را انسان تربیت می‌کند.

پروفسور آکانل O,Connell مخترع دستگاه Cathetron که برای درمان رادیوتراپی داخل حفره‌ای سرطان‌های زنان (ژنیکولوژی) مورد استفاده قرار می‌گیرد.

از راست به چپ: دکتر قوام نصیری، دکتر سالک، دکتر زاهد، دکتر رضینی

حرف پایانی

امیدوارم خداوند همه را و به‌خصوص جامعه پزشکی را در مسیر تعالی قرار دهد. در ده سال اخیر، مبحث "اخلاق پزشکی" بسیار برجسته شده و کلاس‌ها و جلسات گوناگون با حضور اساتید مختلف برگزار می‌شود ولی متأسفانه به‌طور بایسته و شایسته نتیجه نمی‌دهد. اخلاق پزشکی تئوری نیست و باید عملی باشد و تحصیلی هم نیست، بلکه باید در وجود خود شخص باشد یعنی اگر سرشت فرد خلاف این مسائل باشد، اخلاق پزشکی با زور قابل‌تزریق به رگ هیچ پزشکی نیست. امیدوارم حقیقت‌گرایی دوباره به جامعه پزشکی ما بازگردد و دریابیم که به‌راستی هیچ پزشکی حتی با کمترین درآمد نیز خود و خانواده وی به نان شب محتاج نشده و نمی‌شوند. با رسیدن به این ژرفا، این سؤال در ذهن ایجاد می‌شود که این همه تلاش‌های بی‌وقفه برای کسب مادیات برای چه هدفی است؟ آیا به‌راستی پس از فعالیت ۱۰ ساعته (از صبح تا بعدازظهر) می‌توانیم با کم‌توانی و بی‌حوصلگی فکری، روحی و روانی مریض خصوصی را ویزیت کنیم. اخلاق پزشکی یعنی برای افراد و جان آن‌ها حرمت قائل شویم و بدانیم که مریض احتیاج دارد که با ما صحبت کند. مریض نیاز دارد که ما برای او وقت بگذاریم. ما وظیفه داریم که اعتماد بیمار را جلب کنیم. جلب اعتماد بیمار عامل موفقیت هر پزشک است که با سه دقیقه قابل‌دست‌یابی نیست.

لطفا به این مقاله از ۱ تا ۲۰ امتیاز دهید و به شماره پیامک مجله (۳۰۰۰۷۸۳۸) ارسال فرمایید.
کد مقاله: ۷۶۱۵ نحوه امتیازدهی: امتیاز-شماره مقاله